یادداشت اول

صنعت گاز، پیشانی کارآمدی دولت دهم

احمد مددی

تکرار و واگویی اینکه ایران دومین دارنده ذخایر بزرگ گاز در جهان است زمانی که بپذیریم این دارنده بزرگ گاز طبیعی به نسبت جمعیت ۷۴ میلیون نفری اش بزرگترین ائتلاف کننده همین گونه پاک انرژی است حلاوتی برایمان ندارد، اما واقعیت ها را مجال انکار نیست، جمهوری اسلامی ایران به موازات داشتن ۲۹ تریلیون متر مکعب ذخیره در جای گاز و تولید روزانه بالغ بر ۶۴۰ متر مکعب گاز اما سالانه در حدود ۲۵ میلیارد دلار را در قالب های مختلف سوسیدهای مصرفی یا سوزاندن گازهای همراه نفت از دست می دهد، این رقم چشمگیر البته تخمینی غیر دقیق و متکی برآمارهای موجود است و برخی کارشناسان معتقدند اگر ارزیابی هایی دقیق تر صورت گیرد شاید این میزان عدم النفع و خسارت به حداقل ۵۰میلیارد دلار نیز برسد. بدیهی است کشوری که سالانه این میزان از ثروت گازی خویش را به طرق مختلف از دست بدهد نمی تواند از طعم شیرین عنوان دومین دارنده ذخایر گازی جهان بهره کافی برد، چرا که اصولاً در چنین شرایط در هم ریخته ای از اقتصاد گاز اصلاً نمی توان به داشتن صنعت گازی قوی و زنده امید داشت که پویایی آن قادر به تحرک بخشیدن به ارکان و اجزای اقتصاد ملی شود. این تعبیر اما در خلال یکسال گذشته و تقریباً مصادف با حضور دولت دهم در راس نظام اجرایی کشور به موازنه ای مثبت به نفع صنعت گاز دچار شده است، از شهریور ماه سال ۸۸ و در پی تحول مدیریتی در سطح وزارت نفت، صنعت گاز کشور نیز دچار دگرگونی هایی در مشی و استراتژی کلان خود شد، آمدن مهندس جواد اوجی به ساختمان برج گاز در خیابان آبان تهران، آشکارا رگه هایی از پویایی متکی بر دانش تخصصی و تحولی از جنس خلاقیت را در صنعت گاز ساری و جاری ساخت. سرعت گرفتن اجرای طرحهای بزرگ عمرانی- گازرسانی، تجمیع فعالیتهای مربوط به صادرات گاز طبیعی در شرکت ملی گاز و طراحی و اجرای بدون خطای مدل های مهندسی برای به صفر رساندن دغدغه تامین گاز زمستانی کشور را می توان سرفصل های مهم دوره اخیر صنعت گاز کشور دانست. با این حال اما چالش قدیمی ائتلاف انرژی گاز در سطوح مختلف مصرفی کشور و بالا بودن ضریب مصرف گاز به ویژه در فصول سرد همچنان گریبانگیر صنعت گاز بود و حتی می توان چنین اظهار کرد که وجود این چالش پراهمیت همچنان مانع جدی و مهمی بر سر راه استقلال اقتصادی صنعت گاز ایران محسوب می گشت. اجرای هوشمندانه طرح هدفمند سازی یارانه ها توسط دولت دهم که از آن به عنوان اجرای بزرگ اقتصادی ایران هم یاد کرده اند در عرصه صنعت گاز بیش از سایر بخشهای اقتصادی کشور آثار مثبت به همراه خواهد داشت. واقعی شدن تدریجی نرخ گاز بهای مصرفی در گام های نخست به صرفه جویی چشمگیر در فرایند تقاضای بازار داخلی انجامیده است و تردیدی نیست که گام های آرام و آهسته بعدی در این مسیر به ساخت مدل مطلوب فرهنگ مصرف گاز خواهد انجامید. اما در کنار این موارد باید مجموعه اقدامات ماههای اخیر شرکت ملی گاز در راستای هماهنگی با اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها را نقطه عطف کارنامه یکسال و نیم اخیر این صنعت دانست. طراحی مدل قیمت گذاری اقلیمی گاز طبیعی که بنابر مطالعات و ارزیابی های فنی به سرانجام رسیده است، نمره طلایی کارنامه شرکت ملی گاز ایران لقب خواهد گرفت، چرا که این مدل نرخ گذاری گاز طبیعی مصرفی قادر خواهد بود تا حد زیادی انصاف و عدالت را برای مصرف کنندگان گاز طبیعی به ارمغان آورد. صنعت گاز ایران با طراحی این مدل اجرایی در تعیین نرخ گاز بهای مصرفی بر اساس ۵ اقلیم عمده جغرافیایی ایران علاوه بر خدمت غیر قابل انکاری که به همه مشترکان گاز طبیعی کشور کرده است پر پرواز خود از دام چالش های مبتلا به را نیز تدارک دیده است، مگر نه اینکه بر اساس داده های آماری اقتصادی پذیرفته بودیم ایران ۷۴ میلیونی حدود ۲ برابر کشور چین ۱۷۵ میلیارد نفری انرژی مصرف می کند در حالی که GDP ایران با محاسبه نفت خام به زحمت به یک هفتم چین می رسد! و مگر نه اینکه بخش عمده ای از این انرژی مربوط به مصرف گاز طبیعی در کشورمان است. جای تردید نیست که بخش قابل توجهی از این میزان مصرف گاز صرفاً به دلیل فقدان یک مدل منصفانه نرخ گذاری در کشور به هدر می رفت. به راستی آیا رواست که نرخ گاز مصرفی روستا نشین منطقه سردسیر کردستان یا بویراحمد با نرخ گاز مصرفی در یزد و کرمان که اقلیمی گرم سیر دارند یکسان باشد؟ واقعیت اینجاست که اگر مقوله عدالت گستری را یک رهیافت بنیادین معرفتی در تفکر دولتهای نهم و دهم بدانیم باید اعتراف کنیم که قیمت گذاری گاز طبیعی مصرفی بر اساس اقلیم های جغرافیایی راهبردی مبتنی بر همان تفکر عدالت گستری دولت بوده است، کارآمدی دولت ها بی شک با میزان تحقق شعارهایی سنجید می شوند که این دولت ها وعده تحقق آنرا به مردم داده اند. عدالت گستری در قالب های مختلف آن شعاری بوده که در ۶ سال گذشته از نردبان دولتمردان بسیار شنیده ایم، اما رصد عینی حرکتی ملی و در سطح سراسر کشور برای عدالت گستری و انصاف را با طراحی مدل اقلیمی نرخ گاز شاهد بودیم. با این وصف اگر شرکت ملی گاز را پیشانی کارآمدی دولت دهم بدانیم سخنی به گزاف نگفته ایم.

آمدن مهندس جواد اوجی به ساختمان برج گاز در خیابان آبان تهران، آشکارا رگه هایی از پویایی متکی بر دانش تخصصی و تحولی از جنس خلاقیت را در صنعت گاز ساری و جاری ساخت

طراحی مدل قیمت گذاری اقلیمی گاز طبیعی که بنابر مطالعات و ارزیابی های فنی به سرانجام رسیده است، نمره طلایی کارنامه شرکت ملی گاز ایران لقب خواهد گرفت، چرا که این مدل نرخ گذاری گاز طبیعی مصرفی قادر خواهد بود تا حد زیادی انصاف و عدالت را برای مصرف کنندگان گاز طبیعی به ارمغان آورد.

بایدها و نبایدهای ایده فروش گاز پارس جنوبی به قطر

رضا وثوقی

دانش نفت: سالهای میانی دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، روزهایی که در دو سوی کرانه اروند همه چیز رنگ خون و آتش داشت، در روزهایی که همه ایران برای دفاعی مقدس از هویت ایرانی و انقلاب اسلامی اش بسیج شده بود و در روزهایی که شبح بمب و موشک روی سر شهرهایمان پر می کشید در ساحل جنوبی خلیج پارس، در شبه جزیره ای که ۹۳ درصد مساحتش را بیابانی خشک و لم یزرع و ریگستان هایی و هم آلود شکل می دادند در کشوری کوچک که قطر نام داشت و دارد رفت و آمدهایی میان شرکتهای نامدار حفاری دریایی و دفاتر شیوخ قطر در جریان بود. در همان سالها نخستین دکل حفاری دریایی قطر، بستر خلیج پارس را کاوید تا بزرگترین مخزن گازی جهان متولد شود. میدان عظیم گازی پارس جنوبی همان گنجینه ثروت بستر خلیج پارس بود، بزرگترین میدان گازی مستقل جهان که در سوی قطری اش «گنبد» نام گرفت و چون در جهت شمال کشور قطر بود به گنبد شمالی معروف گشت.یک دهه بعد وقتی شعله های جنگ ایران و عراق رفته رفته به فراموشی سپرده و کار سازندگی خرابی های جنگ رونقی گرفته بود اولین گروههای امکان سنجی و توسعه بخش ایرانی این میدان گازی بزرگ گوشه گوشه ساحل شمالی خلیج پارس را رصد کردند تا عاقبت دهکده کوچک و ساحلی عسلویه برای این کار سترگ انتخاب شد و همزمان فراخوانی برای همکاری با بزرگان نفت و گاز جهان منتشر شد، شرکتهای نامداری همچون توتال، شل، رپسول در کنار آجیپ، انی، استات اویل، هالیبرتون، هیوندای و چند شرکت کوچک و بزرگ دیگر رهسپار عسلویه شدند که دیگر شباهت چندانی با آن دهکده ۱۶ سال قبل ندارد. هرچه که بود ظرف مدت حدود ۱۰ سال ۱۰ فاز از ۲۴ فاز طراحی شده اولیه برای توسعه این بخش از میدان پارس جنوبی به سر منزل مقصود رسید، گرچه فازهای ۶ تا ۱۰ آن گویا همچنان با افت و خیزهایی دست و پنجه نرم می کنند اما هرچه که هست می توان گفت چیزی حدود ۴۰ درصد از طرح اولیه توسعه میدان پارس جنوبی محقق شده است. در این میان اما و در تمامی سالهایی که کار توسعه فازهای پارس جنوبی در جریان بود یک موضوع بدون تغییر و تبدیل نصب العین همه فعالان روند توسعه این میدان بوده است اینکه میدان پارس جنوبی دارای مخزنی مشترک با کشور قطر است و به دلیل برداشت زودتر قطر از این میدان پدیده مهاجرت سیالات به نفع مخزن بخش قطری کلید خورده است، به تعبیر صریح تر قطر طی سالهای ۶۶ تا ۷۶ از گرفتاری های ایران در دفاع مقدس و همه بازسازی خرابی های جنگ بهره برده و بی آنکه از موجودی بخش قطری مخزن کاسته شود شیره جان آنرا مکیده و ثروت سرشار آنرا زمینه ساز توسعه اقتصادی خویش نموده است. این واقعیت تلخ آشتی بود بر جان مدیران، مهندسان و کارگران ایرانی شاغل در عسلویه که شعله آن تحمل گرمای تابستان ۵۱ درجه و رطوبت یکصد درصدی عسلویه را برای این مردمان شریف سهل و شیرین می ساخت. هرچه بود اصل «جبران عقب ماندگی از قطر»در فرآیند توسعه پارس جنوبی به یک «اصل راهبردی» در طراحی همه برنامه های توسعه ای این میدان بدل گشته بود. کشور قطر در اثر یازده سال برداشت زودتر از ایران از مخزن گازی پارس چنان ثروتمند و پرپول شده که توانست طرحهایی افسانه ای همچون بزرگترین پروژه تولید گاز مایع طبیعی جهان را به واقعیت پیوند دهد و بخش قابل توجهی از بازارهای مصرفی LNG جهان و همچنین بازار گازی پر تقاضای جنوب خلیج پارس را به خود معطوف کند. موضوع رقابت با قطر به جز در میدان پارس جنوبی از چندین سال قبل به جزیی از اصول کلی اقتصاد انرژی و به شاکله طرحهای آینده صادرات انرژی ایران تبدیل شده است و در غالب طرح های گازی منطقه خلیج فارس ردپای میل ایران به جبران عقب ماندگی و احیای جایگاه خود به عنوان بزرگترین دارنده ذخایر گاز در خلیج فارس را مشاهده می کنیم. در دی ماه امسال اما پرابهام ترین خبری که روی خروجی خبرگزاری های ایرانی رفت خبر مربوط به مذاکرات سطح بالای ایران و قطر برای فروش گاز پارس جنوبی به این رقیب دیرینه بود. از این مذاکرات که همزمان با سفر امیر قطر به تهران انجام شد خبر مشروحی منتشر نشد و برخی کلی گویی ها و خبرهایی دارای ابهام در سطح رسانه ها منتشر شد. آنچه که مسلم است ماهیت فروش گاز حتی گاز میادین غیر از پارس جنوبی به قطر به معنای قوی تر کردن وزنه قطر در معادلات انرژی منطقه خلیج پارس است، اما از آن مهمتر روش و راهبردی است که برای فروش گاز به قطر بر سر آن بحث یا شاید توافقی ضمنی صورت گرفته است، هنوز معلوم نیست که آیا قرار است شیوه ای شبیه برداشت مشترک ایران و شارجه از میدان نفتی مبارک در دهه ۴۰ شمسی به مورد اجرا گذارده شود یا گاز توسط ایران برداشت، پالایش و توسط خط لوله به قطر صادر خواهد شد؟ و اصولاً این پرسش مهم مطرح است که آیا شیوه های دیگری همچون واگذاری امتیاز برداشت مخزن هم مورد بحث و توافق قرار گرفته است؟ آنچه که مسلم است میدان گازی پارس جنوبی دارای مخزن مشترک است و بر همین اساس رعایت اصول منفعت و امنیت ملی آن هم در سطح حداکثری یک اصل لازم و حیاتی است. به موازات باید این مساله مورد تجزیه و تحلیل دقیق ولحاظ کردن شرایط آینده نگرانه قرار گیرد که آیا اصل فروش گاز به رقیبی که ۱۶ سال است می خواهیم عقب ماندگی مان را نسبت به او جبران کنیم در توافق با امنیت ملی ماست یا در تزاحم با آن قرار دارد؟ این موضوع و جستارهایی در باب نقش و سهم ذخیره گاه پارس جنوبی در شکل دهی به قدرت اقتصاد انرژی ایران را در شماره های آینده تشریح خواهیم کرد.

قلعه بانی تشریح کرد؛

چشم انداز ۲۵۰ میلیارد دلاری ایران از درآمدهای نفت و گاز

دانش نفت: مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با بیان این که از همه فازهای پارس جنوبی تا پایان سال ۱۳۹۳ بهره برداری می شود، پیش بینی کرد که از چهار سال آینده درآمد کشور از پارس جنوبی به سالانه ۱۲۰ میلیارد دلار برسد.

احمد قلعه بانی افزود: با در نظر گرفتن ظرفیت تولید کنونی نفت ایران (۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه)، مجموع درآمد حاصل از تولید نفت و گاز در پنج سال آینده به سالانه ۲۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید. قلعه بانی با بیان این که تعداد نیروی انسانی فعال در پروژه های پارس جنوبی به بیش از ۵۰ هزار نفر رسیده است، پیش بینی کرد که تا پایان امسال در فازهای در دست اجرای این میدان مشترک حدود ۱۲ میلیارد دلار اعتبار جذب شود.وی با بیان این که روند جذب سرمایه و اشتغال در پارس جنوبی همچنان رو به افزایش است، پیش بینی کرد که حجم جذب سرمایه برای این فازها در سال آینده به بیش از ۱۲ میلیارد دلار و تعداد نیروی انسانی فعال در ۱۹ فاز در دست توسعه این میدان مشترک به بیش از ۱۵۰ هزار نفر برسد.

بهره برداری از همه فازهای پارس جنوبی تا پایان ۱۳۹۳

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با همزمان و با بهینه سازی زمان، هزینه در دست اجرا دارد. قلعه بانی با بیان این که هم اکنون در طرح های توسعه در صنعت نفت ایران در نقاط دورافتاده کشور به ویژه در پارس جنوبی، به دست پیمانکاران، مشاوران و سازندگان توانمند ایرانی در حال اجراست، اظهار داشت: خوشبختانه پیمانکاران ایرانی به آن مرحله از توانمندی رسیده اند که به تنهایی اجرای اپرپروژه های نفتی و گازی را به عهده بگیرند. به گفته وی، پیمانکاران ایرانی، پروژه های صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش و پخش را به شکل مطلوب اجرا می کنند و تمام شرایط را با قدرت تحت کنترل خود دارند. وی ادامه داد: خوشبختانه با توانمندی و تجربه ای که پیمانکاران ایرانی دارند، همه پروژه های صنعت نفت ایران به ویژه سخت ترین پروژه ها که پروژه های بخش دریا هستند، در بهترین شرایط ممکن در حال اجراست. معاون وزیر نفت با بیان این که هر دو فاز پارس جنوبی ماهانه ۶۰۰میلیون دلار درآمد ایجاد می کند، گفت: با توجه به مشترک بودن میدان و حساسیت ها مربوط به برداشت از آن، تمام امکانات برای بهره برداری به موقع از آنها به کار گرفته شده است.

ارزیابی مطلوب از روند اجرایی و سرمایه گذاری طرح توسعه همزمان ۱۹ فاز پارس جنوبی پیش بینی کرد که همه این فازها حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۳ به بهره برداری و تولید برسند.وی با تأکید بر این که شرکت ملی نفت ایران هم اکنون مدیریت کنترل پروژه موفق و روش های اجرایی دقیقی را در توسعه پارس جنوبی به کار بسته است، یادآور شد: با طراحی و اجرای این تمهیدها، همچنین با تزریق به موقع منابع مالی در بخش های مختلف خشکی، خط لوله و فراساحل، پروژه های پارس جنوبی را به طور

اخبار مهم

عمر ذخایر نفتی ایران به ۹۸ سال رسید؛

اعلام رسمی ذخایر جدید هیدروکربوری ایران به اوپک تا پایان امسال

نماینده ایران در هیئت عامل اوپک از اعلام رسمی افزایش ذخایر هیدروکربوری ایران به بیش از ۱۵۰ میلیارد بشکه در سه ماه نخست سال ۲۰۱۱ میلادی خبر داد.

محمد علی خطیبی با بیان این که در پایان هر سال میلادی، پرسشنامه هایی به کشورهای عضو اوپک ارائه می شود تا اطلاعات نفتی خود را در بخش های مختلف به دبیرخانه اعلام کنند، افزود: به طور معمول این اطلاعات در ماه دوم یا سوم سال جدید میلادی به دبیرخانه ارسال می شود. وی ذخایر هیدروکربوری را یکی از اطلاعات یاد شده برشمرد و گفت: هم اکنون این فرم ها در اختیار واحدهای مختلف قرار گرفته است و به زودی اطلاعات جمع آوری خواهد شد. خطیبی با یادآوری این که در سال جاری ایران به طور کلی و کلان ذخایر هیدروکربوری خود را بازنگری کرد، اظهار داشت: در بازنگری جدید، ذخایر هیدروکربوری کشور براساس بررسی اکتشاف های جدید میدان ها و مخزن های نفتی و گازی، همچنین مطالعه رویه های مربوط به ذخایر ثانویه میدان ها بررسی و افزایش ذخایر هیدروکربوری کشور اعلام شد. وزیر نفت اواسط امسال از افزایش ذخایر هیدروکربوری ایران از ۱۳۷.۰۱ میلیارد بشکه به ۱۵۰ میلیارد و ۳۱۰ میلیون بشکه خبر داد. نماینده ایران در هیئت عامل اوپک اظهار داشت: اعلام افزایش ذخایر هیدروکربوری ایران از ۱۳۷.۰۱ میلیارد بشکه به ۱۵۰ میلیارد و ۳۱۰ میلیون بشکه از سوی وزیر نفت ایران رسمی تلقی می شود، در همین حال اعلام کتبی آن به دبیرخانه در سال جاری میلادی انجام خواهد شد. با فرض تولید روزانه چهار میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه و ثابت بودن حجم ذخایر در سطح ۱۵۰ میلیارد و ۳۱۰ میلیون بشکه، ذخایر نفتی ایران ۹۸ سال عمر خواهد داشت. این در حالی است که پیش از این عمر ذخایر ایران ۸۴ سال بود. معاون برنامه ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزیر نفت نیز پیش تر از ادامه بررسی ذخایر هیدروکربوری کشور با هدف ارتقای ذخایر خبر داده و گفته بود: کمیته بازنگری ذخایر هیدروکربوری وزارت نفت به بررسی ذخایر نفتی و گازی کشور ادامه داده است و ذخایر جدید با احراز آنها مبتنی بر مطالعات و اطلاعات جدید اعلام خواهد شد. محسن خجسته مهر تصریح کرده بود: به طور حتم افزایش ذخایر هیدروکربوری کشور جزء پتانسیل های قطعی نفت و گاز بوده و این جایگاه ایران را در جهان، منطقه و به ویژه اوپک مستحکم تر می کند، همچنین این موضوع سبب حفظ جایگاه برتر ایران در میان کشورهای تولیدکننده نفت و گاز است.

میان شرکت پایانه های نفتی و پارک فناوری پردیس ریاست جمهوری؛

قرارداد انتقال فناوری تصفیه رسوبات نفتی به ایران منعقد شد

رئیس پژوهش و توسعه شرکت پایانه های نفتی ایران، از امضای قرارداد ۱۰ میلیارد ریالی تصفیه رسوبات نفتی خارگ با پارک فناوری پردیس (وابسته به نهاد ریاست جمهوری) خبر داد.

مهدی حاجی حسین زاده گفت: این قرارداد به منظور انتقال فناوری تصفیه رسوبات نفتی از کشور روسیه به ایران و بومی سازی فناوری مربوط به طراحی و ساخت واحد پاک سازی و فرآورش لجن های نفتی حوضچه های نفتی خارگ، امضا شده است. وی هدف از امضای این قرارداد را جلوگیری از آلودگی نفتی آب و خاک اطراف مخازن ذخیره سازی نفت خام و پالایشگاه های نفت خواند و افزود: پس از ساخت و بهره برداری از این دستگاه، امکان بازیافت حجم چشمگیری نفت خام از پساب ها و لجن های نفتی در کشور فراهم می شود.

سفارش بیش از ۸ هزار قلم کالای پرمصرف صنعت نفت به سازندگان داخلی

مدیر تدارکات و امور کالای شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب گفت: هم اکنون سفارش ساخت و تامین ۸ هزار و ۵۰۰ قلم کالای موردنیاز صنعت نفت به تعداد دو میلیون و ۵۰۰ هزار قطعه از طریق سازندگان داخلی در دست اقدام است.

مهندس سیف الله خواجویان افزود: ارزش این اقلام نزدیک به ۶ هزار میلیارد ریال است و تهیه آنها می تواند بخش مهمی از نیازهای واحدهای عملیاتی این شرکت را تامین کند. وی توضیح داد: از مهم ترین این اقلام، لوله های بدون درز، پره توربین های گازی، شیرهای ایمنی رو زمینی، رشته های تکمیلی درون چاهی و قطعات یدکی انواع توربین، پمپ و کمپرسور است. خواجویان اضافه کرد: مواد شیمیایی، انواع لوله، انواع کالاهای حفاری، شیرهای دروازه ای، تجهیزات مخابراتی و ابزار دقیق دیگر اقلامی هستند که ساخت داخلی آنها به طور عمده به سازندگان استان خوزستان سفارش شده است. دبیر دومین نمایشگاه نفت، گاز و پتروشیمی خوزستان با اشاره به برپایی این نمایشگاه از ۹ تا ۱۲ بهمن سال جاری گفت: در این نمایشگاه که با هدف حمایت از سازندگان و تقویت ساخت داخل برگزار می شود، چند قرارداد ساخت تجهیزات و قطعات مورد نیاز این شرکت با سازندگان داخلی امضا خواهد شد. وی افزود: برپایی این نمایشگاه موجب افزایش آشنایی صاحبان صنایع داخلی، از نیازهای صنعت نفت و گاز و نیز ترغیب مدیران و کارکنان این صنعت به استفاده از تولیدات داخلی و تبادل اطلاعات و تجربه ارزشمند بین کارکنان و صنعتگران خواهد شد. خواجویان یادآور شد: تاکنون حدود ۱۵۰ شرکت و سازنده داخلی برای حضور در این نمایشگاه ثبت نام کرده اند و مراکز علمی و پژوهشی و شرکت های بالادستی و پایین دستی صنعت نفت در این نمایشگاه حضور دارند.